

# واقع اتفاقیه اصلاحات امیر

محمد رحیم عیوضی

گسترش تجارت و ... تاکید دارند. همان‌گونه که در زمان امیرکبیر آغاز شد و گروه دوم بیشتر بر قانون، آزادی، عدالت، پارلمان، علم و ... تاکید دارند. همان‌گونه که در زمان مشروطیت رخ داد.

- اصلاح در مقابل انقلاب (revolution) و در قیاس با آن به کار می‌رود و معادل رفرم (reform) می‌باشد. این دیدگاه اصلاحی، خاص فرهنگ و اندیشه سیاسی بوده و به‌گونه‌ای از تحولات و تغییرات اجتماعی نظر دارد که در چهارچوب یک نظام سیاسی رخ می‌دهد. کلمه «اصلاح» مصدر عربی و مفرد واژه اصلاحات می‌باشد که در لغت نامه‌های فارسی و عربی معانی متعددی برای آن ذکر شده که از جمله می‌توان به درست و راست و به کردن، التیام دادن، به سامان آوردن، سروسامان دادن، دورکردن تیاهی، سارش دادن و آشنا نمودن، رفع عیب و فساد چیزی، به‌صلاح آوردن، تیک و بهتر و استوار کردن، ضد افساد و ... اشاره کرد.

در ادبیات کهن فارسی نیز به این واژه فراوان اشاره شده مثلاً در کلیله و دمنه آمده است: «نیش کزدم... را اگرچه بسته دارند و در اصلاح آن مبالغت نمایند. چون پگشایند به قرار اصل باز رودا و در گلستان سعدی آمده است: «... یکی از وزراء بر زیردستان رحمت آورده و اصلاح همگنان را به خیر توسط کردی.»

قرآن کریم در مجموع تعبیرات خود پیامبران را مصلحان می‌خواند؛ چنان که از زبان شعیب پیامبر(ع) می‌فرماید: «ان ارید الاصلاح ماستطعت و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت والیه اُنیب.» (هود/آیه ۸۸)

## زمینه‌های اصلاحات در دوران امیرکبیر

میرزا تقی خان معاصر با ایام حیات اسپنسر، مارکس، اگوست کنت، نیچه، ادیسون، ولتر، روسو، هگل و کانت بود. وی به نام میرزا تقی خان امیرکبیر اتابک اعظم به منصب صدارت اعظمی ایالت ایران رسید و در مدتی کوتاه (سه سال و یک ماه و بیست و هفت روز) اولین پایه‌های سنگ‌بنای اصلاحات در ایران معاصر را پی‌ریزی نمود.

اروپا در زمان امیرکبیر همه دانه‌های کاشته شده خود را به ثمر رسانده و دولتمردان اروپایی در رقبایی بی‌امان تمام سعی را وقف توسعه علوم، فنون، قدرت و صنعت کشورشان کرده بودند و از صنایع، اختراعات و صاحبان آن به طور همه‌جانبه حمایت می‌کردند. در این زمان بود که تحولات عظیمی رخ داد و علوم

ژاپن به این درک رسید و همت خود را مصروف این اصلاحات کرد اما نظام سیاسی ژاپن دچار خیانتها و دودسته‌گریهای دربار پادشاهان ایران آن عصر نبود و آن کشور را به جایگاهی رساند که یکی از قدرت‌های بزرگ جهان شد. ولی درباریان ایران با ازیمان بردن اراده‌های محکم و رجال استوار و روش‌بین کار این سرزمین را به آنجا رساندند که همگی می‌دانیم. مقاله زیر اصلاحات همه‌جانبه میرزا تقی خان امیرکبیر را معرف نموده و به شما خوانندگان عزیز و گرامی تقدیم داشته است.

■ ■ ■

اصلاحات در ایران معاصر به دو گونه «اصلاحات درون حکومتی» و «اصلاحات برون حکومتی» تقسیم شده است. اصلاحات نوع اول در عصر فاجاریه، توسط افرادی چون عباس‌میرزا به شکل اصلاح طلبانه و رفرمیستی انجام می‌گرفت. امیرکبیر نیز در این دوره با قبول شالوده نظام سیاسی، تلاش داشت در چارچوب نظام مستقر از طرفیت‌های موجود برای ایجاد اصلاحات در راستای سامان دادن به امور و رفع موانع و غلبه بر آنچه عقب‌ماندگی کشور را به دنبال داشت عمل نماید. برخلاف جریان درون حکومتی اصلاحات که بیشتر جنبه سخت‌افزاری و خصوصاً اقتصادی مالی داشت، اصلاحان برون حکومتی بیشتر نرم‌افزاری و خصوصاً سیاسی فکری بود. این مقاله بر آن است تا در چارچوب گونه‌شناسی اصلاحات درون حکومتی ایران معاصر، اقدامات اصلاحی در دوران صدارت امیرکبیر را مورد بررسی قرار دهد و تاکید دارد که اصلاحات این دوره کاملاً درونزا می‌باشد و از افت یک اصلاحات برونزا و الهام‌گرفته از غرب به دور بوده است.

## پیش‌فرضهای تحلیل اصلاحات در دوران امیرکبیر

- یکی از آسیه‌های ساختاری اصلاحات، وجود ایهام در مفهوم اصلاحات و در تعریف انواع مصادیق، فرآیند و هدف اصلاحات می‌باشد. برخی صاحب‌نظران آن را در مقابل افساد و به معنای سامان‌بخشی به وضع موجود برای تبدیل آن به نظم مطلوب دانسته‌اند و برخی نیز آن را در مقابل انقلاب و به معنای رفرم، تغییرات روبنایی، محدود و سطحی با اصلاح روبنایها تلقی نموده‌اند.

- در روند اصلاحات در ایران، گروهی از اصلاح طلبان بر ساخت کارخانه، تأسیس خط راه‌آهن، ترقی صنعت،

«اصلاحات و امیرکبیر» دو واژه‌ای هستند که تداعی‌کننده یکدیگرند و پیرامون تاریخ اصلاحات اجتماعی ایران بی‌آنکه نام قهرمان راستین آن ذکر شود سخن نمی‌توان گفت. اما اصلاحات امروزه واژه‌ای غریب شده و از بس که جوامع معاصر آن را به بازی گرفته‌اند. دیگر بُوی ناب و تازگی گذشتۀ رانمی دهد؛ بهویزه که در اوآخر قرن پیش، استراتژی اصلاحات باعث فروپاشی قطب بزرگ بلوک شرق گردید و روابط داخلیانه بلوک غرب در آن نمودار گشت. اما مصلحان اجتماعی دهمه‌های دورتر که هنوز جوامع بشری در عوام‌فریبیهای دموکراتیک فرو نرفته بود، کاملاً شریف و شفاف و شسته‌پای به میدان می‌گذاشتند و چون بوق و کرناهای تبلیغاتی و ترفندهای انتخاباتی رایج نشده بود، اصلاحات آنها در عینیت و عمل نمود می‌یافت.

گرچه اقدامات امیرکبیر از نوع درون حکومتی بود و او در واقع از داخل نظام سیاسی اصلاحات خویش را آغاز کرد، اما اگر می‌توانست اساس حکومت را هم دگرگون می‌ساخت؛ چنانکه خود نیز گفته بود که قصد کنستیتوسیون (نظام مشروطه) داشته و لی مجالش نداشند. واقعاً هم از مرد روشن‌بین و استوار با بهمی چون او بعید بمنظر نمی‌رسید که نظام اجتماعی و سیاسی قرون وسطی ایران را به کلی زیربزیر کند و طرحی نو در افکند و ایران را به عظمتی که شایسته آن بود برساند؛ حال چه از طریق ایجاد کنستیتوسیون باشد و چه طرق دیگر. اما هرچه بود و هرچه گذشت، اینده‌های بزرگ و آمال بلند امیرکبیر ناجوانمردانه در فین کاشان غروب کرد تا شاید روز و روزگاری دیگر در پیشانی فرزند دیگری از مام وطن طلوع کند و ایران را دویاره مرکز فرهنگ و تمدن سازد. باین حال همان اقدامات چندین ساله امیر، شالوده تحولات بزرگ بعدی گردید و در حقیقت پایه‌های ایران نوین را پی‌افکند.

تعصیف نظام ملوک‌الطوابیفی و ایجاد مرکزیت نیرومند سیاسی، اعاده امنیت اجتماعی و مرزی، ایجاد توازن منفی در سیاست خارجی، تعديل خرج و مخارج درباریان، تاسیس و طبع روزنامه رسمی، تاسیس دارالفنون، توسعه نشر و ترجمه کتبه توجه به نهادهای دینی و مذهبی، پی‌ریزی صنایع بزرگ، حمایت از صنایع دستی، ارتقاء سطح بهداشت عمومی، اصلاح امور مالی کشور، پیمود وضع کشاورزی و باغداری و امور دامی، مبارزه با فساد مالی، ایجاد نیروی نظامی قدرتمند زمینی و دریایی، ساخت بناهای تجاری و اداری در طهران و مرکز ایالات و غیره نمونه‌های درخشانی از اصلاح‌گریهای آن مرد بزرگ است. او پیش از وقوع انقلاب می‌جی در

به تدریج به کمک صنایع، حرف و سرمایه داران شتافت و روش قدما در علم به کلی متروک شد. امیر کبیر در زمانی به مستند نشست که اروپا به تدریج از دیدگاه های کسانی چون منتسکیو، ولتر، دیدرو، دالامبر، هیوم، زان زاک روسو، آدام اسمیت و ... باشد و ضعفهایی متاثر می شد و همگی این صاحبنظران - هر کدام به نحوی - معتقد بودند که حاکمیت از آن مردم بوده و غیر قابل تف�یض به یک شخص خاص می باشد. بلکه به قانونگذار تفویض می گردد تا به نوح احسن از آن حمایت کند. آنان به آزادی فردی و امنیت اجتماعی معتقد بودند و بهزیستی، رشد و توسعه زندگی افراد را در گرو آزادی و امنیت اجتماعی امکان پذیر می داشتند. این متفکران از حقوق طبیعی فاصله گرفته و سودجویی و مفید بودن را مرجع ضوابط زندگی قرار دادند.

**اصلاحات سیاسی در دوره صدارت امیر کبیر**  
استعمار گران واقف بودند که اگر قادر رهبری یک مملکت سالم باشد، روابط خارجی آن کشور را به نفع ملت و مملکت تنظیم کرده و اجازه غارت و چاول را به دزدان خارجی نخواهد داد؛ بنابراین آنان پیش از هر چیز در داخل کشورهایی که به آنها به دیده طعمه می نگریستند، فساد عمیق داخلی را ترویج می کرند و نیز برهمین اساس شرط اول نجات یک ملت و دولت از چنگال استعمار، درواقع اصلاح داخلی و آماده کردن زمینه های استقلال و انتقام به نفس بود؛ چنان که مثلاً اگر امیر کبیر می خواست بدون تغییر در این وضعیت نامناسب داخلی به جنگ استعمار برود، همین کسانی که می بایست به کمک آنها استعمار را به زانو درمی آورد. درواقع پیش از هر چیز خود او را از پای درمی آوردند. لذا امیر در عرصه سیاسی به اصلاحاتی اقدام کرد که عمدترين آنها را به شرح زير می توان برشمود.

۱. تمرکز قدرت یا مبارزه با ملوک الطوایفی:  
یکی از حریه های موثر استعمار در راه تحقیل نفوذ بیشتر و سلطه عمیق تر، تضعیف قدرت حکومت مرکزی کشورهای مورد استعمار است. گرانست و استون، مشی سفارت انگلیس در تهران، می نویسد: «در این هنگام آشکارا پیش بینی شد که دوره حکومت قاجار به زودی سپری و ایران تجزیه خواهد شد». آنوقتی امیر کبیر زمام امور را به دست گرفت، کشور ایران جز در چند ایالت بلوچستان، افغانستان و ترکستان، در تمامی مناطق دچار اختلاف داخلی و کشمکش میان قدرتهای محلی شده بود؛ چنان که نامنی تمامی نواحی غرب (بروجرد و کردستان) و جنوب (بوشهر، دشتستان و نیز گرمان، رفسنجان و بزد) و همچنین شرق و شمال (خطه خراسان) کشور

را فراگرفته و فتنه همچون سلطان شهرهای شمالی و شمالغربی کشور را در نوردیده بود.

## ۲. تجدید آرامش و امنیت:

امیرکبیر در چنین وضعیتی برای اعاده امنیت و بسط نفوذ و قدرت دولت به سراسر کشور، با پشتکار و جدیت شایان ستایش دست به کار شد. او برای رام کردن یاغیان و سرکوب تجزیه طلبان و حفظ مملکت از تجزیه و ملوک الطوایفی از هیچ اقدامی فروگذار نکرد. امیر در مدت کوتاهی تمام شورشهای جنوب را علیرغم وسعت و عمقی که داشت سرکوب نمود و سراسر آن منطقه را در کنترل دولت مرکزی درآورد. این موفقیت به قدری اعجاب آور بود که وزیر مختار انگلیس بعد از آن همه گزارشها که قبل از آن تاریخ راجع به نالمنی و هرج و مرج منطقه جنوب به وزارت امور خارجه انگلیس داده بود، بایس و نامیدی به پالمرستون وزیر خارجه انگلیس، می‌نویسد: «الشایان درازی است که منطقه فارس به طوری که اکنون تحت اطاعت حکومت مرکزی می‌باشد مطیع نبوده است.»

سران بلوج در سیستان و بلوچستان، به تائیز از

تحریکات انگلیس به خاطر هندوستان مبنی بر جداکردن این مناطق از ایران، سربه شورش و یاغی گری برداشته بودند. امیر با ایجاد هنگهای سواره و ساختن پاسگاهها و قراولخانه‌های فراوان و مستحکم و مجهز سرتاسر آن منطقه را چنان آرام ساخت که انگلیسیها را به کلی از رسیدن به هدف خویش مایوس نمود.

رسخت ترین یاغیان و آشوبگران، ترکمنهای شمال بودند که در اثر یاغی گری و چپاول آنان، آرامش و امنیت به کلی از شمال ایران رخت برپسته بود اما امیر آنها را نیز با اعزام قشون و تهدید، به زیر نفوذ کشید؛ چنان که دو تیره «یموت» و «اتکه» بدون زد خورد تسلیم شدند و فقط تیره «گوگلان» که در دشت گرگان بودند و جاسوسان و ماموران انگلیسی در میان آنها نفوذ بیشتری داشتند، به تحریک و ترغیب آنها مقاومت نمودند؛ که سراججام در مقابل نیروهای دولتی شکست خورده و تسلیم گردیدند. ناینده سیاسی روس در تاریخ هشتم صفر ۱۲۶۶ق خبر این موفقیت دولت را ضمن نامهای که به روسیه ارسال داشته، چنین گزارش داده است: «... در شانزدهم محرم الحرام عساکر پادشاهی در محل موسوم به قراشیخ، فتح عظیمی نموده و پنج هزار تن ترکمن را که بر اردی شاه حمله آورده بودند شکست فاحشی داده پس از چنین نصرت، گوگلانیها شرایط اطاعت را نسبت به سردار عساکر منصوبه به عمل آوردهند...»

امیر با ساختن چند قلعه محکم و مجهز در نقاط حساس ترکمن صحرا و ساختن سد بزرگ گرگان رود، زمینه اشتغال ترکمنهای بیکار به کشاورزی را فراهم آورد و سراسر منطقه را چنان امن و آرام نمود که روزنامه

وقایع اتفاقیه در شماره بیست و هشتم خود، درباره امنیت آن منطقه چنین نوشت: «امنیت ترکمن صحرا به حدی است که یک تفردوفر از اردو به استرآباد و از استرآباد به ارد و آمدورفت می‌نمایند و اگر مالی از اراده در صحرا کی رکمانان گم بشود، ترکمانان پیدا نموده می‌آورند در اردو و جارگوشیده به صاحبش می‌رسانند.» همچنین فتنه باب و آشوب بهایها را که در سراسر کشور و مخصوصاً در شمال به قدری وسیع و عمیق بود که اگر با زمامداری امیرکبیر مصادف نمی‌شد به احتمال زیاد تجزیه کشور و به وجود آمدن یک دولت نامشروع، دست نشانده و عامل استعمار را در خاک ایران در پی می‌داشت سرکوب کرد؛ به ویژه آن که این فتنه از سوی انگلیسیها حمایت می‌شد و آنها به علی محمد باب به طعن Mr. Door (آقای در) می‌گفتند. دری که از طریق آن به مت و روش قدیمی و همیشگی فرقه سازی خود پرداختند و این فتنه و آشوب را به سراسر ایران گسترش دادند که نابودی نفوس بیشماری را به دنبال داشت تا آنجا که بایان حتی قصد جان امیر را گردند.

## ۳. سیاست موازنۀ منفی:

آنچه امیر انجام می‌داد در اجرای سیاست ملی و استقلال طلبانه خویش بود. رفتار شخصی امیرکبیر با سفرای خارجه مقیم تهران سیاست مدارا و بیطری بود؛ به این معنا که نه با آنها ضدیت می‌کرد و نه تسليم آنها می‌شد. از خود هیچ وقت تمايل خصوصی که موجب فعالیت و رقابت سیاسی باشد به هیچ یک از بیگانگان نشان نمی‌داد و استون در تاریخ خود راجع به میرزا تقی خان امیرکبیر چنین می‌نویسد: «میرزا تقی خان امیر نظام بیگانه کسی است که دست اجانب را از دخالت در امور داخلی ایران در مدت صدارت خود کوتاه نمود و یگانه مردی بود که توانست بدون دخالت اجانب مسائل غامض ایران را حل و عقد کند. در زمان او احدي قادر نبود با عمال ا جانب روابط خصوصی داشته باشد. تمام مأمورین دولتی را غذفن نمود با خارجهای ایجاد رابطه کنند. این افتخار برای او بس که در زمان او هیچ یک از همسایگان نتوانست در امور داخلی دخالت کنند و باه حقوق سیاسی آن تجاوز نمایند. امتیاز شمال را از دست روسها بیرون ساخت و مستقیماً زیر نظر دولت ایران قرار داد. روسها از ساختن بیمارستان در استرآباد بازداشت که معمولاً استعمارگران برنامه‌های استعماری خود را در لواي ساختن بیمارستان و مدرسه و پخش دارو بیانده می‌کنند.»

وقتی انگلیسیها تقاضای ایجاد و افتتاح کنسولگری در استرآباد نمودند، امیر جلوگیری از ساختن بیمارستان به وسیله روسها ابهانه قرار داد و گفت: وقتی من به آنها چنین اجزاء‌ای را نمی‌دهم، این چه حق و امتیازی است که انتظار دارید در چنین منطقه‌ای که

نژدیک روسیه است برای شمال قائل شوم امیرکبیر مصنوبیت جزائی خارجیان را منسوخ کرد و آزادی تجاری ای را که روسها با استفاده از عهده‌نامه ترکمنچای به دست آورده بودند و انگلیسیها به موجب عهده‌نامه ۱۲۵۷ و با استناد به اصل دولتها کامله‌الوداد آن را بیزور گرفتند. عملاً بی‌خاصیت ساخت دولت فرانسه هم با استفاده از شرایط موجود. استفاده از قانون آزادی تجارت و استفاده از حقوق دولتها کامله‌الوداد را تقاضا نموده بود که امیرکبیر آن را نپذیرفت و در نتیجه سفير فرانسه از ایران قهر کرده و به کشور خود مراجعت نمود و البته امیر همچنان حاضر به انعقاد چنین قراردادی نشد. امیرکبیر حوزه نظم، قانون، تامین عدالت و دروغ اآنچه را که به «نظم میرزا نقی خانی» معروف شد بسیار وسیع می‌دید. او از این نظم، نوعی قانون‌گذاری قدرت خود کامه و به ضابطه کشیدن هر نوع بی‌ضابطگی را منظراً داشت و به جد در راه آن ایستاده بود. امیر نظم را در تمام کارها جستجو می‌کرد. هم در سیاست، هم در اجتماع و هم در فعالیت اقتصادی میرزا آفاخان نوری دشمن شماره‌یک امیر و قائل او در نامه‌ای به برادرش آورده است: «... حالت امروز ایران دخلی به شلوغ کاری و هرزگی عهد خارج میرزا آغا سی مرحوم ندارد. کار، نظم و حساب به هم رسانیده...» دیگر از اصلاحات سیاسی امیرکبیر، رسیدگی به موضوع تحصن و پناهندۀ شدن اتباع ایرانی به سفارتخانه‌های خارجی بود؛ به این معنا که برخی افراد ایرانی همین که مرتکب خطأ شده و مورد بازخواست قرار می‌گرفتند. برای رهایی خود فوراً به یکی از سفارتخانه‌های مقیم تهران رفته و در آنچه تحصن می‌جستند. بدیهی است هیچ اقدامی برای احضار و جلب این قبیل اشخاص، نظر به امکان اهانت به سفارتخانه میسر نبود. استمرار این رویه از نظر امیرکبیر، ناشایسته بود؛ چرا که اثرات خوبی نداشت و محمول عواقب وخیمی بود. بنابراین امیر با سفرای خارجیه و استدلال آنها را مجبور ساخت از حمایت و پناه‌دادن اتباع ایرانی که مرتکب خطأ و جرمی شده‌اند خودداری نموده. متحصّنین را در صورت اخطار دولت ایران فوراً تسلیم نمایند.

## اصلاحات فرهنگی امیرکبیر

زندگی شهری و تولید صنعتی نیاز به ترتیب و نشر فرهنگ صنعتی دارد. بخش عظیمی از آموزش‌های علمی در راست صنعتی می‌باشد که با رفتار ایلی و دامداری سنتی فاصله بسیار دارد. فرهنگهای کشاورزی سنتی که با همان قالب فکری وارد دنیای زندگی صنعتی می‌شوند، دچار گرفتاری جدی در حل مسائل خود

و مسافرت دیگر او به خاک عثمانی او را به این اندیشه واداشت که اگر بخواهد دوش بدوش دنیای جدید پیش برود. ناگزیر است سازمان خود را تغییر داده و از روشها و متدهای پیشرفتی اروپایی استفاده نماید و این مساله را با اعزام عدایی محصل به اروپا و یا فراهم نمودن زمینه حضور عدایی از استادان اروپایی در ایران برای تعلیم جوانان این سرزمهین بی‌گرفت. اعزام دانشجو به خارج، زید مشکل نبود چون در زمان عباس میرزا و محمد شاه این کار صورت پذیرفته بود اما خواستن استاد از اروپا و تاسیس مدرسه‌ای عالی همواره در ذهن میرزا نقی خان وجود داشت و به محض اینکه صدراعظم ایران گردید به تکاپو افتاد تا فکر خود را عملی کند و دارالفنون را تاسیس نماید. لذا دارالفنون را به عنوان اولین مدرسه جدید ایران در هفت شعبه تاسیس نمود.<sup>۸</sup> فارغ‌التحصیلان اولیه این مدرسه، فرزندان رجال فاچار بودند که در کنار افزینگ‌برگشتن گان بدنی اصلی اجرایی کشور را تشکیل دادند که این خود البته داستان غمانگز و عبرت‌آموزی دارد. شاید اگر امیرکبیر این مقدار مهملت می‌یافت یک قادر علمی و فنی را آن طور که خود او شروع کرده بود

### ■■ می‌توان گفت اصلاحات امیرکبیر کاملاً درون‌زا بوده و از آفات یک اصلاحات بروزنا و الهام گرفته از غرب، که با فرهنگ ملی - اسلامی

ایران زمین سازگار نبیست، به دور بود؛ چراکه شیوه اصلاحات ملهم از غرب به نسبتها و ارزش‌های بومی درونزا توجه نمی‌کند و در راستای تحمیل فرهنگ بیگانه گام برمی‌دارد. امیرکبیر متناسب با فرهنگ مردم، منطبق با شرایط و مقتضیات زمان و مکان، سازگار با تحولات جامعه ایران، مبتنی بر دیانت و طبیعتی ایران را انتخاب کرد.

تریست نماید. یعنی افرادی را که دارای صفات خودبایری و حریت بوده و به فکر اعتلا و استقلال ایران و ایرانی باشند، به احتمال زیاد کشور ما باین‌همه امکانات و مقدورات در صفت پیشرفت‌ترین ممالک جهان بود.

#### امیرکبیر و مذهب

امیر شخصاً مردی متدين، متعبد و مقید به اجرای دستورات دین مقدس اسلام بود و البته برخلاف بیشتر رجال متدين و متعصب آن زمان، روشن بینی و خوش‌فرکی خاصی در زمینه اعتقدات دینی داشته و حتی بسیار از خواسته‌های مدنظر روحانیون و مسلمانان روش‌فکر و مطلع امروز که نمی‌توانند آنها را با سطح افکار عمومی مسلمانان وفق دهند و در برنامه اصلاحات آن روز امیرکبیر به چشم می‌خورد.<sup>۹</sup>

امیرکبیر با کمال شهامت با بعضی از بدعتها و پدیده‌ها که به غلط به اسم دین مردم را منحرف می‌کرد، مخالفت می‌کرد و بعضی از شخصیت‌های به ظاهر مذهبی را که از شخصیت و نفوذ مذهبی خود سوءاستفاده می‌کرددند مورد موّاحده قرار می‌داد.

زمینه‌های مصنوعات، منسوجات، قوای بحری و بري، مدرسه، کتابخانه، موزه، کاغذ اخبار، مجلس جوانان، آزادی، پارلمان، شورای عامه و کلای ملت و ... در گردیده بود. امیر می‌دانست که برای بیداری و تنبیه افکار ایرانیان اطلاعات و دانش در این زمینه نیاز جامعه فعلی او می‌باشد. فریدون آدمیت در کتاب امیرکبیر و ایران در این زمینه می‌نویسد: امیرکبیر «برای مطالعه ناصرالدین شاه تاریخ مفصل فرانسه را تا زمان ناپلئون در دو جلد به ترجمه رسانید. موضوع جلد نخست راجع به قبل از ایام انقلاب فرانسه و آشوب ممالک فرانس [فرانس]» و جلد دیگر در [خصوص] زندگانی ناپلئون است. ترجمه جلد اول به دست نیامد اما از مطالعه مندرجات جلد دوم باید گفت با معنی ترین تاریخ فرانسه و زندگانی ناپلئون است که آن دوره به فارسی ترجمه و به انشاء میرزا شفیع منشی و خط خوش رضاقلی تاریخ نویس، تحریر یافت.» چنین کتبی در زمان حکومت شاهی، ناصرالدین شاه، انتشار می‌یافت که خود در بطون استبداد پرورش یافته بود و به گزارش امین‌الدوله در خاطراتش، «شاه با راه خلوت به زبان میراند که نوکرهای من و مردم این

ملکت باید جز از ایران و عالم خودشان از جای خبر نداشته باشند و بالمثل اگر اسم پاریس و یا بروکسل نزد آنها برده شود، ندانند این دو خود را نیست یا پوشیدنی»

#### ۳. تاسیس دارالفنون:

امیرکبیر به نقص تشکیلات فرهنگی و فقدان موسسات علمی و نبود وسایل تمدن و فرهنگ جدید در ایران کاملاً وقوف داشت و در اثر همین نواقص بود که در تلاش خود برای اصلاح و پیشرفت ایران دائماً به موانعی از قبیل نفوذ مستفیدین کهنه‌پرست، خرافاتی و خشک‌عقیده برمی‌خورد و اصلاحات او را عقیم می‌گذاشت. او از طرفی نیز می‌دید که کشور ستمدیده ایران از حیث علوم و تمدن جدید کاملاً بی‌بهره است ولذا تا در افکار عموم مردم اندک انقلاب و تحویل ایجاد نمی‌کرد و جوانان ایرانی بهره‌مای از این تمدن و علوم مختلفه ملل غرب نمی‌گرفتند، نمی‌توانست در افکار ایرانیان ایجاد روش‌نایابی کرده کشور را به ترقی و تعمق سوق دهد. دو سفر امیر به خاک روسیه و مشاهده اوضاع واحوال دنیای جدید در اصول تعلیم و تربیت ملل اروپایی

می‌گردند و این مساله از عدم سازگاری میان این دو نوع رفتار اجتماعی ناشی می‌شود. آموزش عمومی به صورت جدی با اقدامات امیرکبیر آغاز گردید. او نشر مطبوعات و دانش را به شیوه‌های مختلف شروع کرد و تا زنده بود بر این امر تاکید داشت. امیر نقش روزنامه‌ها را در توسعه و گسترش آگاهی مردم بسیار اساسی می‌دانست. اهمیت این قبیل اقدامات در این دوران زمانی آشکار می‌گردد که به این شعار استعمار که در نوشته سرگوارویلی، سفیر انگلیس در ایران، منعکس گردیده. توجه شود: «باید ملت ایران را گذاشت تا همین حالت توحش و بربیت باقی بماند.»<sup>۱۰</sup>

#### ۱. تاسیس و طبع روزنامه:

امیرکبیر برای بالابردن سطح داشت و بینش جامعه و آشنانمودن مردم با وضع جدید و اطلاع‌یافتن ایرانیان از خبرهای داخله و خارجه و تعمیم فرهنگ در نقاط مختلف کشور، به راه‌اندازی روزنامه‌ای به نام وقایع اتفاقیه همت گماشت. وجهه نظر امیر درباره روزنامه «اطلاع‌یافتن دولت از اوضاع جهان و دیگر پرورش عقلانی مردم و آشنا کردن آنها با داشت جدید و احوال دیگر کشورها بود.»<sup>۱۱</sup> روزنامه وقایع اتفاقیه در شماره بیست و ششم خود موضوع را این گونه منعکس می‌نماید: «بعضی مردم نفهمید و نمی‌دانند که حسن این روزنامه چیست و مصرفش چه می‌باشد؟ پاره‌ای اشخاص خیال می‌کنند که کاری است که دیوانی عظام راه‌انداخته‌اند به جهت منفعت و مداخل. برخی هم چنین تصور می‌کنند که این روزنامه منصبی است که به کسانی که از دیوان اعلی اسامی آنها معین شده باید برسد و دیگران نباید برسد، لکن هیچ یک از اینها نیست ... این اخبار چیزی است ... به جهت تربیت خلق و اطلاع آنها از امورات دیوانی وغیره و اخبار دول خارجه و منفعت خاص و عام.»

#### ۲. گسترش ترجمه و نشر کتاب:

امیر از تمام وسائل برای تنبیه افکار مردم کمک می‌گرفت؛ از جمله به ترجمه کتاب بسیار توجه می‌کرد. گرچه قبل از این‌نهضت ترجمه در ایران شکل گرفته بود، امادر رواج او بود که آن را گسترش داد؛ چنان‌که برای رفع کمبود مترجم، به هر وسیله‌ای برای ازدیاد این طبقه توصل می‌جست.

امیرکبیر از مترجم سفارت، زان داود که زبان فرانسه و انگلیسی را می‌دانست، درخواست کرد کتاب «جهان نمای جدید» را ترجمه نماید. این کتاب از جهات مختلف ارزنده و در خود توجه بود؛ چراکه نهنهای از زمان آشنایی ایران با دانش جدید اروپایی، کتابی بدان صورت و معنی به فارسی نگارش نیافرته بود بلکه تاسیلیان بعد هم کتابی مانند آن را توانستند تدارک بینند. در آن کتاب اطلاعات گسترده‌ای درباره وضعیت بیشتر کشورها در



سردوشی نظامیان تا آن زمان از اثربخش وارد می‌شد. تا این‌که روزی امیر سردوشی زیبا و جالبی را که توسط خانمی به نام بانو خورشید دوخته شده بود ملاحظه کرده و آن زن را بسیار تشویق کرد و سپس دستور داد امتحان تهیه سردوشی را برای مدت پنج سال به او واگذار کنند که با کارگاه مجهز و شاگردان زیاد، سردوشی مورد احتیاج ارتش را تهیه کند.<sup>۱۱</sup> او معتقد بود خیانت به ملت و کشور است اگر از آنچه می‌توان آن را در داخل کشور تولید کرد استفاده نشود بلکه از خارج وارد گردد و از همین رو، هرگونه تساهل در راستای صنعتی شدن کشور را نمی‌پسندید. وی حمایت از صنایع ملی را در مقابل حمله و هجوم صنایع غرب به جایی رساند که مورد انتقاد و خردگیری برخی نویسندگان غربی واقع شد؛ به عنوان مثال، بی‌نینگ، مورخ شهر انگلیسی، با بعض و نراحتی نوشت: «امیرکبیر علاقه مخصوصی دارد که با تشویق صنایع ملی تمام صنایع خارجی را از ایران بیرون کند. این سیاست ناشی از کوتاهی بینی، به هیچ وجه کمک به پیشرفت تجارت و مدنیت نمی‌کند».<sup>۱۲</sup>

### ۳. معادن:

امیرکبیر خوب می‌دانست که صنعتی شدن کشور بدون استخراج معادن ممکن نیست و از سوی دیگر

و فکر نکته سنج امیرکبیر مخفی بماند. او برای اقتباس صنعت جدید اروپا عده‌ای از استادکاران باهوش و خوش ذوق ایرانی را انتخاب کرد و به پطرزبورگ فرستاد تا رشته‌های مختلف صنعت جدید را بیاموزند. این افراد پس از فراگرفتن صنایع مربوطه به ایران بازگشتند و کارخانه‌های بلورسازی تهران، کاغذسازی اصفهان و کارگاه‌های چدن‌ریزی و نساجی و چند کارخانه و کارگاه دیگر را با سبک نسبتاً جدید احداث نمودند.

### ۲. حمایت از صنایع دستی:

امیرکبیر در کرد که به مقتضای طبع سرمایه‌داری جدید و صنعت ماشینی، که ابتكار آن به دست دول استعمارگر بود. آنان سعی خواهند کرد برای رواج بازار مصنوعات و محصولات صنعتی خویش و تضعیف بنیه مالی ملت‌های عقب‌افتاده صنایع دستی و ملی این کشورها را نابود کنند؛ لذا همپای هدایت کشور به راه صنعت ماشینی، تلاشهای فراوانی را هم برای توسعه و تکمیل صنایع دستی مبدول داشت. امیر دستور داد لباس نظامیان از شال پشمین مازندرانی تهیه شود و شالهای دستی کرمانی را طوری ارتقاء کیفیت داد که با شالهای کشمیری رقابت می‌کرد و لذا معروف به شال امیری شد.

جای تأثیر و تاسف است که افراد روشنفکر و متعدد هم که می‌خواهند بحثی از اقدامات مذهبی امیرکبیر بنمایند فقط به سراغ زیارت عاشورا و نماز شب خواندن و حضور او در مجالس روضه‌خوانی و تعمیر مساجد و مدرسه و امامزاده و موضوعاتی دیگر از این قبیل می‌روند و ابداً توجهی به این مساله که تمام رشته‌های اصلاحی امیر عین خواسته اسلام و قرآن و وظیفه قطعی یک زمامدار مسلمان است نمی‌کنند؟ مگر مبارزه با ارتقاء و فساد، هرج و مرچ، جلوگیری از غارت بیت‌المال، ازین‌بردن پارتی‌بازی و خردی‌فروش پست و مقام، اجرای عدالت و قانون و تقسیم پستها به مقیاس لیاقت و ارزش اشخاص، استخراج معادن و ذخایر کشور اسلامی، اشاعه علم، فرهنگ و هنر و نیز اقتباس علوم و فنون جدید ملل دیگر از متن وظایف فرد فرد مسلمین و مخصوصاً روساء و زمامداران مسلمان نیست؟<sup>۱۳</sup>

### اصلاحات اقتصادی امیرکبیر

۱. تشویق صنعت و تکثیر ثروت: برای یک اقتصاد سالم و مستقل، آن هم در زمانی که انقلاب صنعتی، اروپا را در راه یک ترقی بی‌سابقه انداخته بود، لزوم و وجوب صنعت کاملاً احسان می‌شد و این چیزی نبود که از دیده تیزیین

همان مذهب و روش مألف را برگزیده و بدان رضا می‌داد که گهگاه قروضی هم از سفارتخانه‌ها یا ... بگیرد و به مالیه کشور تزریق کند و بگوید هرچه پیش آید خوش آید و یا راه دیگری را انتخاب نماید و به تغییر وضع موجود و ایجاد وضع مطلوب بیندیشد. البته امیر مسیر دوم را برگزید و مشکلات را به جان خرد و کاری بنیدین آغاز کرد و به وضع مالی کشور سر و صورتی داد؛ زیرا خوب می‌دانست که یکی از دامهای بسیار خطناک استعمارگران برای ملتها و دولتها، ایجاد ورشکستگی اقتصادی در کشور و کشیدن آن به زنجیر و امها و یا کمکهای بلاعوض و به‌تعبیر دیگر «استعمار اقتصادی است که سرانجامی جز سقوط در کام فراخ استعمار ندارد». <sup>۱۴</sup> برخی از اصلاحات امیر در این امر خطیر را می‌توان از خلال گفته‌های خود او جست که گفته بود بیش از هر اصلاحی وضع مالیه را سر و سامان خواهد داد، میزان خرج دولت یک میلیون تومان (پانصدهزار لیره) بیش از عایدی آن است و لذا باید از مواجب و مستمرهای کاست، به علاوه هدر صد بر مالیات خواهد افزود و گمرگات را که تاکنون در اجراء افراد بوده، از دست آنان خواهد گرفت و تحت اداره دولت درخواهد آورد، همچنین به هر ولایتی پیشکار مالیه‌ای خواهد فرستاد تا به عنوان مسئول دیوان استفاه و مستقل از

## ■ سردوشی نظامیان تا آن زمان از اتریش وارد می‌شد، تا این که روزی امیر سردوشی زیبا و جالبی را که توسط خانمی به نام بانو خورشید دوخته شده بود ملاحظه کرده و آن زن را بسیار تشویق کرد و سپس دستور داد امتیاز تهیه سردوشی را برای مدت پنج سال به او واگذار کند او معتقد بود خیانت به ملت و کشور است اگر از آنچه می‌توان آن را در داخل کشور تولید کرد استفاده نشود بلکه از خارج وارد گردد

حکومت در آنجا به نحو عادلانه مالیات را جمع آوری کند. دکتر مهدی بهار می‌گوید: «امیر به رعایت حال مودیان مالیات و وضع فساد و ظلم عمال دولتی کوشش فراوانی ابراز می‌داشت و مالیات را به تناسب درآمد سالانه تعیین می‌نمود و بدین منوال در حالی که مالیات کامل را زگردن کلکتفها وصول می‌کرد مرهمی بر زخمهای عمیق مردم می‌گذاشت».<sup>۱۵</sup>

چون اصلاح مجاری درآمد. بدون حذف مصارف غلط، نمی‌توانست درد را دوا کند لذا امیر در کثار اقدامات برای وصول مالیات حقه دولت، اقدامات انقلابی تری برای حذف موارد ناصحیح خرج بودجه و مصارف غلط آن شروع نمود تا غذای یکسال مردم فقیر و محتاج، خرج یکروز مطبخ یک شاهزاده بی‌ارزش و بی‌خاصیت قاجار نشود. او در این راستا، پیش از هرچیز حقوقهای گراف را که بدون رعایت

مرحله اجرا درآورد.<sup>۱۶</sup> تجدید بنای پل عظیم شوشتار و هفت چشمۀ آن.<sup>۱۷</sup> ساختن یک سد بزرگ بر روی رودخانه معروف گرگان رود که زیر نظر مهندس میرزا حسن و با همکاری هزار کارگر، مدتی کمتر از یکسال بنای آن به اتمام رسید و دشت وسیع استرآباد زیر کشت درآمد. <sup>۱۸</sup> بنای یک سد بزرگ در نقطه اتصال دو رود قره‌چای و لنار رود در شهرستان قم و بستن پل معروف دلک بر روی آن، عاتمam کار نهر عظیمی که آب رود کرج را به تهران منتقل کرد و تهران را زیبی آبی شدید رهانید.<sup>۱۹</sup> شروع کار انتقال آب از شمیران به تهران، که ناتمام ماند. سفیر وقت انگلیس، که در سفر ناصرالدین شاه و امیرکبیر در سال ۱۲۶۷ق. به اصفهان همراه آنها بود، در خاطرات خود می‌نویسد: «در اراضی اطراف اصفهان، تا چشم کار می‌کرد، فرسنگ در فرسنگ کشت و کار بود و نباید فراموش کرد که تا همین اوخر خطه اصفهان را شوب فراگرفته بود. این تحول شگفت در این مدت کوتاه در خورستون است و آن نیست جز اثر روش عادلانه نائب‌الحکومه اصفهان چراغعلی خان زنگنه که پیش از این نوکر شخصی امیرنظم بود. البته در شهر حالت ویرانه عمومی مملکت به چشم می‌خورد اما از بزرگان هیچ شکایت راجع به زورگویی دیوان شنیده نمی‌شد. برتری دولت کوئی ایران بر سلطنت

کم و بیش به ارزش و عظمت معادن بیکران ایران. که به قول دکتر پلاک می‌تواند از لحاظ معادن فلات بجهان برایبری کند. - واقع بود ولذا برای بهره‌برداری از این معادن، برنامه وسیعی را به اجرا گذاشت، به این صورت که اولاً برای این که استخراج معادن براساس اصول علمی و فنی جدید صورت گیرد، مسیو جان داود را برای استخدام کارشناسان و اساتید علوم و فنون جدید به اتریش فرستاده و به او توصیه کرد: «در ریاب انتخاب معنی‌گذاری اهتمام نمایید که از جمیع فلات خصوصاً از طلا و نقره سرورشته کامل داشته باشد»، و ثانیاً برای این که در این رکن مهم اقتصاد و رشته اساسی حیات اقتصادی، بیگانگان رخنه نکنند. کاملاً مواظب بود که استخراج با سرمایه ایرانی انجام شود. امیر با سرمایه‌گذاری خارجی که اغلب نقطه آشکار و آغازین نفوذ استعمار بود، جدا مخالفت می‌کرد و برای همین منظور، فرمانی صادر نمود که طی آن، سپرده امتیاز استخراج معادن به اجنبي را کیداً منوع ساخت. در پناه این سیاست عاقلانه و مدیرانه نهضت وسیعی برای استخراج معادن و بهره‌گیری از ذخایر کشور شروع و قدمهای بلندی پرداشته شد و در همان مدت کوتاه نتایج درخشانی به دست آمد.

### ۴. کشاورزی:

امیرکبیر در امور زراعی هم با ایجاد امنیت و رعایت حقوق کشاورزان با ساختن سدها و آب بندهای متعدد تحولی اساسی بنیاد نهاد ساختن سدهایی بر روی رودخانه‌های کرخه (سد ناصری) و گرگان رود. انتقال آب از رودخانه کرخ به تهران، تجدید بنای پل شوشتار و بازگردان هفت چشمۀ آن، ترویج کشت پنبه امریکایی و نیشکر و ... برخی اقداماتی بود که امیر در این راستا به عمل آورد.

استعمارگران به عنوان یک حربه قدیمی، همواره سعی می‌کردند کشاورهای ضعیف را به یک محصول خاص، مثلاً نفت، نیشکر و ... پای‌بند کنند و به قول معروف اقتصاد تک محصولی را بر آنها اعمال نمایند. تا در موقع مقتضی با ایجاد مانع بر سر راه صدور و مصرف این محصول به این کشاورها فشار آورد. در راستای تیمایلات خود آنها را در مضيقه قرار دهند.

امیر دستور داد آن دسته از بذرهای کشاورزی را که در ایران موجود نبود، از خارج وارد نمایند و از این طریق به اصلاح بذر و نهالهای کشاورزی موجود در ایران پرداخت.

فهرستی از اقدامات امیرکبیر در راستای کشاورزی را می‌توان چنین برشمرد: ۱. ساختن سد عظیم «ناصری» روی رودخانه کرخه که داستان تاریخی مفصلی دارد. ۲. ترویج کشت نیشکر در خوزستان در دو منطقه عقلی و شوشتار، که جالب است بدانیم چندسال پیش دولت ایران فکر آن روز امیرکبیر را به

سابق مورد اعتراف همگی است.<sup>۱۶</sup> این اذعان یک فرد انگلیسی دلالت بر این نکته دارد که امنیت شغلی کشاورزان و محصولات آنان چگونه به عنوان عامل اصلی ایزار تولید مورد توجه خاص امیر بوده و نیز اصلاحات او در جامعه مقبولیت و پذیرش عام داشته است.

۵. اصلاح اوضاع مالی:

صدرارت امیرکبیر در بردهای شروع شد که خزانه تهی و جواهرات سلطنتی به یغما رفته بود. به قول فریدون آدمیت، «جعبه محتوی قطعات الماس که بهای آن هشت‌صد‌هزار تومان بوده است اکنون بیش از صدهزار تومان الماس در آن باقی نمی‌شود».<sup>۱۷</sup> اتللافها و اسرافها و حقوقهای گراف درباریان نیز مزید بر علت بود. اینک او دو راه بیشتر در پیش نداشت: یا باید

گرفته شده بود و اذیت و آزاری به زارعین ترسیده از آنها کسی پول و بنه اخذ نکرد.<sup>۲۰</sup>

### ۳. ایجاد نیروی دریایی:

پس از نادرشاه، اولین زمامداری که به احتیاج میرم ایران با توجه به مرزهای آبی و سیع در خلیج فارس به نیروی دریایی پی برد و برای ایجاد آن تمامی امکانات را بسیج کرد، امیرکبیر بود. با وجود ناؤگان نیرومند دشمن - از جمله انگلیس - در دریای فارس، امیر که پنجه در پنجه استعمار انداخته بود، نمی توانست از ایجاد نیروی دریایی قوی و مقندر و مناسب با اهداف عالی خود غفلت ورزد. او ابتدا برای تهیه کشتیهای جنگی، به انگلستان پیشنهاد خرید کشتیهای بزرگ را داد ولی همانطور که انتظار می رفت وزیر خارجه انگلستان پالمرستون با صراحت تمام مخالفت بریتانیا با فروش کشتی به ایران را اعلام کرد. امیر پس از دریافت جواب منفی، طی نامه ای در تاریخ هشتم رمضان ۱۲۶۷ق. به مسیو جان داود. که برای استخدام معلم به اتریش رفته بود، به او توصیه کرد که با هر دولتی که صلاح می داند گفت و گو کند و برای خرید دو کشتی قرار بگذارد و چهار روز بعد ضمن نامه مفصلی به او نوشت: «... برای خرید دو کشتی بخار و یک کشتی یکلن هرچه زودتر اقدام نمایید».

انگلیسیها از این اقدامات امیرکبیر سخت ناراحت شده و به وحشت افتاده بودند. وزارت خارجه انگلیس طی نامه ای به سفارت خود در تهران، از خبر ایجاد نیروی دریایی ایران رسما ابراز نگرانی کرد و جویای راه علاج شد و کلین میشل هم به طور رسمی بعد از تصدیق خطرناک بودن چنین وضعیتی برای بریتانیا کبیر، مقامات انگلیسی را چنین دلداری می دهد: «به احتمال بسیار قوی، بعد از مرگ یا عزل میرزا تقی خان تمام نقشه های او را جمع به احداث نیروی دریایی در خلیج فارس به بوته فراموشی خواهد افتاد». <sup>۲۱</sup> از این نوشه به خوبی و آشکارا معلوم می شود که در آن تاریخ نه تنها نقشه عزل یا قتل امیرکبیر در دست احرا بود بلکه آینده بعد از امیرکبیر از نظر استثمار گران که عمال خود و وضع حکومت ایران و سلسله قاجاریه را خوب می شناختند، رضایت بخش تلقی می شده است.

### آسیب‌شناسی اصلاحات امیرکبیر

شاید بتوان گفت اتكاء و اعتماد بیش از حد امیر به شخص شاه و حمایت او یکی از نقاط ضعف او بوده؛ زیرا هنگامی که مخالفان او جبهه گسترده ای از دریاریها، مستمری بگیران، شاهزادگان قاجار، امرا و اشراف، تیول داران، صاحب منصبان، سران قبایل و عشایر و پاره ای از حکام و الیان را تشکیل داند، این اعتماد و حمایت مورد تشكیک و تردید قرار گرفت و جانش را نیز بر سر این امر گذاشت.

این امر اختصاص داد. امیر همچنین برای بالابردن سطح اطلاعات نظامیان در مسائل مربوط به فنون نظامی دستور داد که کتابها و مقالات مختلف و جامعی در فنون جدید نظامی نوشته شود و در اختیار فرماندهان و افراد ارشت قرار گیرد. او در کنار این اقدامات و طرحهای که برای مدرن کردن ارشت داشت، فعالیتهای وسیعی را نیز در راستای ایجاد کارخانه های اسلحه و مهمات سازی و ساختن پادگانهای نظامی و قلعه های تدافعی و سنگرهای احتیاطی در سراسر کشور شروع کرد و مهمات سازی در زمان او رشد بسیاری نمود. چنان که هر ماه در تهران هزار و در اصفهان سیصد قبضه تفنگ می ساختند و توب ریزی و باروت سازی تبریز - که یادگار عهد عباس میرزا بود - دوباره رونق گرفت. در امیرآباد کارخانه مهمات سازی ساخت. وضع لباس ارشت مرتب و منظم شد و در زمان عزلش نظامیان ارشت ایران نزدیک به یکصد و پنجاه هزار نفر رسیده بود و هزار توب با گلوله هایی از ۱/۵ تا ۱۲ کیلویی داشت.<sup>۲۲</sup>

### ۲. تهذیب اخلاق نظامی:

یکی از عیوب اساسی ارشت ایران تا پیش از امیرکبیر، این بود که نظامیان در سایه استبداد سلطنتی قاجار، به تجاوز و تعدی و زورگیری عادت کردند و از این رهگذر ارزش و اعتبار و محبویت ملی را - که از ضروریات ارشت است - از دست داده بودند و با مردم کاملا فاصله داشتند. امیر از آنجا که خود نیز در کسوت نظام بود، هوشمندانه این عیوب و نقصیه را درک کرده بود. از این رو، با صادر کردن بخشنامه های بی دریبی و اعمال مجازاتها و قصاصهای سخت و تند و تلقین اخلاقیات لازم سپاهیگری، گامهای بلندی را در راه تهذیب اخلاق نظامیان برداشت و آنان را به وظایف اصلی و اساسی خوبیش آشنا ساخت و بدین سان ارشت را از رویه احضاف و زورگویی و تجاوز

■■■ امیر با سرمایه گذاری خارجی، که اغلب نقطه آشکار و آغازین نفوذ استعمار بود. جدا مخالفت می کرد و برای همین منظور فرمانی صادر نمود که طی آن، سپردن امتیاز استخراج معادن به اجنبی را اکیدا ممنوع ساخت

به مال و جان مردم نجات داد و که ویش آن را به صورت یک ارشت ملی درآورد. کلین میشل در گزارش خود به مورخ ۱۲۶۶ق. به وزارت انگلیس درباره انصباط سربازان ایرانی در مسافرت شاه به شهرستان قم، که در رکاب شاه وی را همراهی می کردند، می نویسد: «فرق فاحشی میان این مسافرت با مسافرت های بادشاوهای ایران به طور کلی وجود دارد. در سفر قم جلوی تعذیبات گوناگون نظامیان سخت

تناسب بود جه کشور و ارزش خدمت و کار اشخاص در سابق برای افراد تعیین شده بود، یا به طور کلی حذف کرد و یا قسمت اضافی آن را کسر نمود. مثلا حقوق شخصی شاه را که تا آن روز صفت هزار تومان در ماه بود، یک مرتبه به ده هزار تومان تقليل داد او همچنین عیاشیها و ولخرجیهای دربار را به قدری محدود کرد بود که کلین میشل در یکی از گزارش های رسمی خود می تویسد: «شاه به ملاحظات مالی نمی توانست در اطراف تهران به گردش و تفریح بی بارداز» و نیز حقوقهای نی توانست و مستمری صد ها شاهزاده درباری، شیخ، خان و مفت خوران دیگر را قطع و یا تعديل نمود و سرانجام علیرغم همه کارشناسیها و مخالفتهای داخل و خارج، موفق شد معما می بودجه را حل کرده و علاوه بر پر کردن محل خالی تقریبا پنجاه درصد کسر بودجه و بالابردن میزان بودجه از دومیلیون تومان به سه میلیون تومان کشاورزی را ترقی و پولهای هنگفتی را به عمران و آبادی کشور اختصاص دهد و از ورود کالاهای خارجی جلوگیری نموده و بر صادرات کشور بیفزاید و به گفته خود امیر از «فار شمشهای طلا» جلوگیری نماید.<sup>۲۳</sup>

### اصلاحات نظامی امیرکبیر

۱. تلاش برای دستیابی به تسلیحات جدید: استعمار گران به نقش موثر سلاحهای جدید و مدرن در سرنوشت کشورها و ملتها کاملا واقف بودند ولذا مجده ای از هر گونه تجهیز کشورهای اسیر استعمار به این قبیل سلاحها مانعت به عمل می آورند. امیرکبیر چون مدتی در خدمت نظام و دورانی از عمر خود را هم به جای امیر نظام کار کرده بود، از جزئیات وضع ارشت ایران و نواقص و احتیاجات آن و نقش آن در راه نیل به اهداف عالیه ای که داشت کاملا مطلع بود ولذا هم زمان با اصلاحات کشوری، اقدامات وسیعی به منظور تکمیل و مدرن کردن ارشت ایران

شروع کرد. او می دانست برای مجهز کردن سپاه ایران به سلاح روز و تنظیم و تربیت و سازماندهی نظامیان به سبک جدید اروپا، احتیاج به کارشناس و متخصص اسلحه سازی و تعلیم و تربیت نظامی دارد؛ همچنین می دانست که برای تربیت افسران لائق، دانشگاه نظامی و جنگ لازم است تا از این راه احتیاج به مستشاران نظامی که خطرناکترین جاسوسان استعمارند رفع شود و لذا قسمتی از دارالفنون را به

# میرزا قاچان صدراعظم سابق ایران



ملت ایران همچنان تداوم یافت. آنان شخصیتی را از این ملت گرفتند که خواهان حریت و آزادی ایران و در صدد هویت، استقلال و کرامت بخشی به آن بود. امیرکبیر همانند مصلحی بزرگ در تلاش بود تا جامعه ایران را در کلیه زمینه‌ها متحول نماید و البته در همان مدت کوتاه صدارت خود مصدر خدمات بزرگی گردید که فهرست‌وار - بدون توجه به تقدم و تاخر اهمیت هریک - می‌توان چنین برشمرد: ۱. اصلاح نظام پوسیده اداری. ۲. کاهش نفوذ فنودالیزم و افزایش قدرت مرکزی.<sup>۳</sup> ۳. ایجاد امنیت در سراسر کشور.<sup>۴</sup> پاداش خادم و معازات مجرم، بدون توجه به مقام یا منصب و یادگاره وابستگی.<sup>۵</sup> جلوگیری از تعدی حکام عرب‌بارزه با رشوه‌دهی و رشوه‌گیری و سروسامان دادن به وضع مالی مملکت و تدوین بودجه.<sup>۶</sup> تعیین مقری برای

می‌گرفت که به عقیده مردم از جانب خداوند برای ایفای ماموریت خاصی خلق شده‌اند».

## نتیجه

در مجموع باید گفت امیرکبیر در دوران صدارت خود با شجاعت و فارغ از هرگونه تقيه دست به اصلاحات زده بود و در دوره کوتاه صدارتش در تمام زمینه‌ها تحولاتی شگرف آفرید. او اصلاحات خود را قبل از «میجی» در ژاپن شروع کرده بود اما ژاپن به جایی رسید که امروزه شاهد آن هستیم و امیرکبیر نیز آنچنان گرفتار شد. این همه ثمره شوم تلاشها و توطئه‌های دول اسلامی ایران بود. آنان با دشمنیهای خود، راه ترقی، تکامل، استقلال، سیاست و سعادت ملت ایران را سد نمودند و اسارت و بندگی

آفت بعدی اصلاحات امیرکبیر این بود که او در طی دوران صدارت خود مانند قائم مقام استاد خود عمل نکرد؛ چرا که این قائم مقام بود که استعداد امیر را شناخت و او را از مطبخ به حاکمیت کشاند. اما امیر به این نکته توجه نکرد که اقدامات اصلاح طلبانه اگر در کنار سایر اقدامات خود، افراد باستعداد، وطن‌دوست و کاردان را شناسایی نموده و حدائق در کادر حکومتی پنج نفر امیرگونه بسازد. قطعاً ایران در آن زمان قطع الرجال نبوده و بودند افرادی که اگر درس حریت و استقلال و اعتلای وطن فراگرفته و آن را بر منافع مادی و دنیوی ترجیح می‌دادند، در فقدان امیر راه و اصلاحات او را در مسیر صحیح تداوم می‌بخشیدند.

آسیب بعدی اصلاحات امیرکبیر بستر زمانی کوتاه صدارت او بود که مجموعاً به نقلی سه سال و شصت و سه روز را شامل می‌شود. امیر دارالفنون ایران را درست بیست‌سال پیش از دارالفنون ژاپن و سه‌سال پس از دارالفنون عثمانی تاسیس نمود. به‌هرحال در هیچ اصلاحاتی با کشوری نمی‌توان در طول زمان کوتاهی چنین موقوفیت‌هایی را کسب نمود و این افتخار نصیب امیر گردید.

آفت و آسیب بعدی اصلاحات میرزا تقی خان، نفوذ استعمار و استثمار و قدرت بیگانگان در ایران بود. سفارتخانه‌های خارجی - به‌ویژه روسی و انگلیسی که بخشی از تصمیم‌گیران حاکمیت آن زمان بودند - امیر را مخل منافع و اهداف استعماری خود می‌دانستند و بر حذف او از قدرت اصرار و ابرام داشتند و آخرالامر به این نیت شوم و پلید خود دست یافتند.

همچنین عده‌ای از نویسنده‌گان تاریخ عصر قاجار این ایراد را به امیرکبیر گرفته‌اند که اصلاحات وی بیشتر برای اساس بوده که کار سازمانهای موجود را بهتر کند نه اینکه وظایف آنها را تغییر دهد و یا سازمانهای جدید پدید آورد. به نظر می‌رسد این انتقاد بر امیرکبیر با توجه به شرایط زمانی دوران صدارت وی چندان وارد نباشد. در دورانی که اکثر مردم ایران در جهل و بی‌سوادی غوطه‌ور بوده و استبداد شاهی حاکمیت داشت و فتووالیزم در نقاط مختلف ایران ریشه دوانیده و مداخلات دول خارجی نامحدود بود، امیر چگونه به‌نهایی می‌توانست بنياد سازمانهای موجود را به‌یکباره ویران نموده، تشکیلات جدیدی بنانماید.

در پایان با نوشته‌ای از گرانت واستون انگلیسی در کتاب «تاریخ ایران» این مقاله را به پایان می‌رسانیم: «امیرکبیر در ظرف چندسال کوتاه، کار چندین قرن را انجام داد و بانیوی نبوغ خود دوران تازه‌ای در تاریخ کشورش پیش آورد و اگر آن اندازه مهلت می‌یافتد که نیات خوبی را انجام دهد، در ردیف کسانی قرار

می‌نویسد: «این ملت ذلیل و از پادرآمده و فوق العاده تیزهوش و نادر... امروز دیوانه و دلبخته مردی شده است که تا چهل سال پیش صدراعظم کشور بوده. از مرز ترکیه تا سرحد افغانستان هیچ کس از غنی و فقیر و خرد و کلان نیست که تمام عناوین تعظیم و تجلیل و محبت را در موقع یادآوری از این مرد به کار نبرد». درباره خصال امیرکبیر گفته‌اند: او فردی عادل، وظیفه‌شناس، فعل و کاری بوده از سریاز و کشاورز حمایت می‌کرد و خیر ایران را می‌خواست. در آنچه انجام داده خوب عمل کرده و آنچه را در نظر داشت در آینده عملی سازد. حتی از این هم بهتر بود. این که عده‌ای امیرکبیر را متهم به رفتاری جاه طلبانه و رضاخان گونه می‌نمایند، جفاک بزرگی در حق او است. امیری که می‌گوید «خیال کنستیتوسیون (مشروعه) داشتم مجال ندادند». حمایت مردمی و کسبه بازار تهران از امیر هنگامی که فوجی از سربازان تضمیع شده، عزل امیر را خواسته و خانه او را محاصره می‌کنند. عمق مردمی بودن اصلاحات او را به نشان می‌دهد. ■

### پی‌نوشت‌ها

۱. علی اکبر دهخدا، *الفتحه دهخدا شمله ۴۲*. تهران: زمینه‌شناسی، ۱۳۳۸.
۲. علی اکبر هاشمی رفسنجانی، امیرکبیر قهرمان میازده استعمار، ۲۸۲۵.
۳. تهران: موسسه انتشارات فرهنگی، اسفندماه ۱۳۴۶، ص ۶۱.
۴. فردیون آدمیت، امیرکبیر و ایران، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۴، ج ۳، ص ۵۶۴.
۵. واسنون یک فرد لذکی است که معاصر میرزا تقی خان امیرکبیر بوده و در کتاب قطوفی به نام «تاریخ فاجله» در حدود چهل صفحه راجع به امیرکبیر مطلب نوشته است.
۶. فردیون آدمیت، همان ص ۲۱۵.
۷. عمن اعتماد دارم که برای حفظ سرحدات هندوستان، اگر ایران را در حال ضعیف و بیرونی و هوشیگری که دارد باقی بگذاریم از هر سیاست دیگری بهتر است (قسمتی از نامه اولی در ۱۵ آکتبر ۱۳۴۴).
۸. فردیون آدمیت، همان ص ۳۷۲.
۹. دارالفنون ترجمه پلی‌تکنیک است.
۱۰. هاشمی رفسنجانی، همان ص ۱۴۳.
۱۱. روزنامه و قایع اتفاقیه شمله ۲، همان.
۱۲. نویسنده کتاب «امیرکبیر قهرمان میازده استعمال» در اسفندماه ۱۳۴۶ که بین کتاب را نوشته به این مطلب اشاره نموده است.
۱۳. منوچهر کدیور، اصلاح طلبان ناکم انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۳۸.
۱۴. فردیون آدمیت، همان ص ۲۶۶.
۱۵. هاشمی رفسنجانی، همان، ص ۸۱.
۱۶. مهدی بهرام، میراث خوار استعمار، ۴۷.
۱۷. بهرام افزاسیلی، غروب در پگاه تهران، گنجینه فرهنگ، ۱۳۸۰، ص ۲۱۲.
۱۸. علی رضاقی، جامعه‌شناسی تجسسی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲، ص ۱۴.
۱۹. اسناد وزارت خارجه انگلیس، همان.
۲۰. پرویز افشاری، صدراعظمهای سلسله قاجاریه دفتر مطالعات سیاسی و بنی‌الملک، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۵۲ و ۱۵۳.
۲۱. هاشمی رفسنجانی، همان، ص ۱۶۶.

عصر بی‌خبری ایرانیان نام برد و گفته می‌شود که جامعه ایرانی آن زمان از در ک اصلاحات سیاسی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی امیرکبیر عاجز و ناتوان بوده است. صحت دارد؟ یعنی آیا طبقه صنعتگران و عامه مردم از اصلاحات صنعتی که در حال اجرا بود غافل بودند؟ آیا طبقه کشاورزان از سرمایه‌گذاری در زمینه سدسازی و تامین آب کشاورزی و امنیت محصولات و ترمیم و بهینه‌نمودن بذرهای کشاورزی ناخشنود بودند؟ آیا طبقه روشنفکر جامعه و آگاه به مسائل کشور، اقدامات فرهنگی و علمی از قبیل طبع و نشر کتب و روزنامه و احداث چاپخانه‌های جدید و ترجمه کتابهای علمی غرب را کتمان می‌نمود؟ آیا عوام‌الناس ایجاد امنیت در جاده‌ها و مسیر کاروانها، بسط عدالت اجتماعی، برخورد با بزههای جامعه خود، جلوگیری از فساد و فحشاء و منکرات، مبارزه با بیماریهای مثل وبا و آبله و نیز سنگفرش کردن کوچه‌ها را نمی‌بدند یا مخالف آن بودند؟ آیا بازار گنان و سرمایه‌گذاران داخلی از توجه امیر به صنایع داخلی و استخراج معدن توسعه ایرانیان و معاف کردن آنان از دادن مالیات به مدت پنج سال ناراحت بوده و با آن مخالفت کردند؟ و یا آیا امیرکبیر در تمام شوون اصلاحاتی که دنبال می‌کرد، مردم ایران را روبروی خود می‌دید؟

حقیقت آن است که تمام اقسام ملت ایران با تمام وجود از اقدامات امیر خوشحال و راضی بودند و هیچ گستاخی میان صدراعظیم و مردم وجود نداشت؛ چنان که گفت‌وگوی امیرکبیر و معاونش میرزا آقاخان مؤبد این مساله است. یک روز امیرکبیر و معاونش میرزا آقاخان در کنار حیاط معروف به کریم‌خانی از صبح تا نزدیک ظهر نشسته بودند و از هر دری سخن می‌گفتند. کم کم افتخار به آنها رسید. امیر، در حالی که بر می‌خاست، از میرزا آقاخان پرسید: مگر من صدراعظیم نیستم؟ میرزا آقاخان جواب داد: چرا؟ هستی امیر گفت: مگر مردم ایران حاجتی ندارند؟ میرزا آقاخان گفت: چرا؟ دارند. امیر: مگر در بستان در خانه مانع ورود مردم و آوردن عرضه‌ها می‌شوند؟ میرزا آقاخان: خیر. امیر: پس جرا در این مدت کسی به ما مراجعه نکرد؟ میرزا آقاخان: (با تعجب) چه عرض کنم! امیر پاسخ داد: تعجبی ندارد. من هر کار را به دست فرد لاپیق و کارداری داده‌ام و دیگر کاری بدون مسئول نیست که به من مراجعه کنند.<sup>۲۲</sup> بیان این سوال و جواب به خاطر این بود که اولاً میزان مقبولیت امیر و توجه او به مردم را برسی کرده و به این قضیه نیز اشاره کنیم که امیر از عملیاتی کردن منویات خود و کادرسازی لازم در این زمینه غافل نبوده است. کنست دوگویندو نویسنده کتاب «سیاست در آسیا» که یکی از مورخین و مطلعین اروپایی معاصر با امیرکبیر است چنین

شاه و اعضای خاندان سلطنتی و کاهش حقوق و مزایای آنان.<sup>۲۳</sup> توجه به امر نظام و تنظیم رده‌های نظامی.<sup>۲۴</sup> توسعه کارخانجات در ایران.<sup>۲۵</sup> توجه به فرآیندی علمی جدید.<sup>۲۶</sup> توجه به کشاورزی و زراعت.<sup>۲۷</sup> توسعه طرق و شوارع و زیباسازی شهرها.<sup>۲۸</sup> ایجاد چاپخانه منظم.<sup>۲۹</sup> ایجاد عمارت‌ها، بناها و بازار در تهران و شهرهای دیگر.<sup>۳۰</sup>

می‌توان گفت اصلاحات بروزناهی کاملاً درون زما بوده و از آفات یک اصلاحات بروزناهی و الهام گرفته از غرب، که با فرهنگ ملی - اسلامی ایران زمین سازگار نیست. به دور بود؛ چراکه شیوه اصلاحات ملهم از غرب به نسبتها و ارزشها بومی درونزا نوجه نمی‌کند و در راستای تحمیل فرهنگ بیگانه گام برمی‌دارد. امیر الگویی مناسب با فرهنگ مردم، منطبق با شرایط و مقتضیات زمان و مکان، سازگار با تحولات جامعه ایران، مبتنی بر دیانت و طبیعی ایران را منتخب کرد. یکی از مشکلات و نارساییهای اصلاحات آن است که به عنوان فرایندی تحمیلی (reform from above) به جامعه تزریق گردد. این امر گاه با انتکا بر ساخت پاتریوتیکالیستی قدرت صورت می‌گیرد و به دلیل گستیت میان هیات حاکمه و مردم و بی‌اطلاعی جامعه از نیات و انتیزه‌های حکومتگران در اصلاحات و نیز به دلیل بی‌توجهی مسئولان سیاسی به نیازهای اجتماعی و خواسته‌های واقعی مردم راه به جایی نمی‌برد. اصلاحات فرمایشی در درون ساخت قدرت یک جانبه و تقریباً از بالا به پایین (up - down) به دلیل تصلب و عدم انعطاف هرگز توانسته از منابع و استعدادهای عمومی در جهت سامان‌بخشی به اوضاع اجتماعی بهره‌گیرد.

بانگرش مردم سalarانه (bottom-up) می‌تواند ضمن انتعاف در ساختارها و نهادها موجبات نیل به توسعه سیاسی مطلوب را در درون ساخت قدرت دو جانبه فراهم ساخت.

اصلاحات امیرکبیر یک اصلاحات و یا انقلاب از بالا نبود بلکه اصلاحات او با تمام حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی ایران در پیوند مستمر بود. کمالینکه تمامی این زمینه‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داد. باید توجه داشت که موقفيت یک جریان اصلاح طلب در هر کشوری در گرو درک متقابل مردم و حاکمان می‌باشد. خواه این اصلاح طلبان خود برای تضمین حسن اجرای اصلاحات و ضمانت اجرای صحیح آن، مردم و دولتمردان لازم و ملزم یکدیگرند. حال سوال این است که آیا این موضوع که از درون امیرکبیر و قبل از بروز نهضت مشروطیت به عنوان